

<https://www.pecritiue.com>

نقد اقتصاد سیاسی  
دی ماه ۱۴۰۲

# اعتصاب در اروپای شرقی: میوهی ممنوع دموکراسی صنعتی

یورگیس والیکویچیوس

ترجمه‌ی داود جلیلی



Eugène Laermans, An Evening's Strike

سازمان گرانِ سندیکایی و پژوهش‌گران از شش کشور اروپای شرقی در روزهای ۲۶ تا ۲۹ اکتبر سال ۲۰۲۳ برای تبادل تجربه در سازمان‌دادن اتحادیه‌ی کارگری و گفت‌وگو درباره‌ی امکانات استفاده از اعتصاب به عنوان ابزاری برای پیش‌برد یک دستور کار متری که تلاش می‌کند تغییرات مهم اجتماعی، اکولوژیکی و اقتصادی را به‌عهده بگیرد، در کائوناس (شهری در لیتوانی) گرد هم آمدند.

کنفرانس «مدرسه‌ی اعتصاب» از سوی اتحادیه‌ی کارگری اول ماه می GIPS با همکاری مرکز اجتماعی اما Emma و بنیاد رزا لوکزامبورگ سازماندهی شده بود. GIPS اتحادیه‌ای کارگری در لیتوانی است که از اعتراض علیه کاهش حقوق کارگران در قانون کار جدید در سال ۲۰۱۷ پدید آمد. اگرچه قانون در سال ۲۰۱۸ به اجرا گذاشته شده بود، اما اعتراض‌ها توانستند قرارداد «ساعت صفر»<sup>۱</sup> را لغو و اصل قانونی را که در روابط صنعتی کارگران را طرف ضعیف‌تر معرفی می‌کند به‌عقب برانند، و از این‌رو، محافظت قانونی بیشتری برای کارگران فراهم آورند.

«مدرسه‌ی اعتصاب»، نمایندگان اتحادیه‌های کارگری از لهستان، اسلوانی، کرواسی، مجارستان، استونی و لیتوانی را گرد هم آورد. هریک از نمایندگان چشم‌اندازهای خود در باره‌ی مبارزه‌ی جاری را در میان گذاشتند و درباره‌ی این که کدام استراتژی‌های سازماندهی سیاسی در بستر کشوری بهترین جواب را می‌دهد، بحث کردند. جنبه‌ی مشترک بین نمایندگان اتحادیه آن است که هدف همه‌ی آن‌ها از بین بردن موانع متحد کردن کارگران در بخش‌های بی‌ثبات مانند خدمات، خرده‌فروشی و مراقبت است. از دهه‌ی ۱۹۹۰، اتحادیه در کشورهای اروپای شرقی با مشکل خصوصی‌سازی شدید و صنعت‌زدایی از اقتصاد روبرو بوده است. این روندها بسیاری از کارخانه‌ها و اجتماعی‌ها را که بدنه‌ی اصلی عضویت اتحادیه را تشکیل می‌دادند، نابود کرد. توزیع دارایی‌های اتحادیه که از اتحادیه‌های مرکزی سوسیالیسم دولتی پیشین

۱- قرارداد ساعت صفر اصطلاحی است که برای توصیف یک نوع قرارداد کاری بین کارفرما و کارمند به کار می‌رود که به موجب آن کارگر ساعت کاری ثابتی ندارد. کارفرما قادر است هر زمان که نیاز باشد کارمند را فراخواند. به دلیل ماهیت انعطاف‌پذیر قرارداد ساعت صفر، حقوق و تعهدات با یک قرارداد کار معمولی (با مدت زمان معین) متفاوت است. م

به‌ارث مانده، ستیزه‌ی بین اتحادیه‌های کارگری را تشدید کرد، که به چندپارگی بیش‌تر جنبش کارگری منجر شد.

با پیوستن این کشورها به اتحادیه‌ی اروپا، ایده‌ی مسلط درباره‌ی کارِ سندیکایی با چهارچوبِ «مشارکت اجتماعی» رایج در اسکاندیناوی درک شده است. مشارکت اجتماعی مبتنی بر ایده‌ی چارچوب سه‌جانبه‌گرایی است، که در آن هدفِ نمایندگان کارفرما، دولت و کارگران پیدا کردنِ بهترین تصمیم برای همه‌ی طرف‌هاست. (در این چارچوب)، اعتصاب‌ها به عنوان هسته‌ی پیش‌بردِ منافع کارگران تعریف نمی‌شود، بل که به عنوان «آخرین پناهگاه» فعالیتِ کارگران پس از شکستِ رشته‌ای از گفت‌وگوها، دیدارها و دیگر اشکالِ گفت‌وگو در رسیدن به توافق تلقی می‌شود. اگرچه این چارچوب ممکن است برای زمینه‌ی اسکاندیناوی موفق و مناسب باشد، اما در چارچوبِ اروپای شرقی، که در آن اتحادیه‌های کارگری و خودسازمان‌دهی کارگران، هم به دلیل مشکلات اقتصادی و هم به دلیل نبودِ هرگونه حمایت یا ضمانتِ نهادی بزرگ دشوار است، کار نمی‌کند.

این چارچوب هیچ دست‌آوردِ ملموسی برای کارگران به‌عنوان اتحادیه‌های اروپای شرقی نداشته است، چون کارگران (در آن کشورها) از قدرتِ سیاسی و مالی سازمان‌های اسکاندیناوی برخوردار نیستند. این شیوه‌ها تلاشِ اتحادیه را بر دیدارهای مختلف در کمیسیون‌های سه‌جانبه یا مذاکراتِ مسالمت‌آمیز با کارفرماها متمرکز کرده است. ایجاد قدرتِ سندیکایی به سازمان‌دهی کارگرانِ کارخانه نیاز دارد، اما صف و ستادِ اعضای اتحادیه غیراز پرداختِ حقِ عضویتِ خود به‌ندرت تشویق به شرکت در فعالیت‌های سندیکایی می‌شوند. با وجودِ این مشکلات، که ریشه در محیطِ قانونی دشمن‌کام بسیاری از کشورهای اروپای شرقی (علیه کارگران) دارد، برخی اتحادیه‌ها به‌صورت استثنایی به سازمان‌دهی و دعوت به اعتصاب ادامه داده‌اند. منظم‌ترین اعتصاب‌کننده‌ها کارگرانِ خدماتِ عمومی، مانند آموزگاران یا کارگرانِ حمل‌ونقل عمومی بوده‌اند.

در حال حاضر عضویتِ سندیکایی در اروپایی شرقی ثبات پیدا کرده و حتی دوباره به آرامی شروع به رشد کرده است. تعدادی ابتکارهای جدید اتحادیه‌ای هم وجود داشته است که طی دهه‌ی گذشته پدیدار شده‌اند. این ابتکارها از سوی نسلِ جدیدی از فعالان

سندیکایی هدایت می‌شوند که هدف آن‌ها به حرکت واداشتن جنبش سندیکایی با تمرکز بر سازمان‌دهی کارگران کارخانه است. هدف آن‌ها علاوه بر تشکیل اتحادیه‌های جدید، تغییر درک از چیستی اتحادیه است: آن‌ها می‌کوشند از این فکر که اتحادیه‌ها فراهم‌آورنده‌ی خدمات برای کارگران هستند دور، و به‌سوی این اندیشه که اتحادیه‌ها سکوه‌ای سازمان‌دهی هستند، نزدیک شوند.

میزگرد درباره‌ی سازمان‌دهی در بخش‌های بی‌ثبات چکیده‌ای از این ابتکارها را در اروپای شرقی عرضه می‌کند. پانل شامل یاکوف کولاک، نماینده‌ی سندیکای منطقه‌ی صنعتی (RIS) کرواسی و یکی از سردبیران رادنیکا پراوا [Radnička Prava](#)، یاکوب گرزگوشیک، هماهنگ‌کننده‌ی گروه کارآموزشی و کارآموزی در اوز آئی پی [OZZ IP](#) (سندیکای آنارشیستی آئی.پی.م) از لهستان، تینا پودبوشک و ماتویچ از [Cedra](#) سازمان‌گران اسلونیایی نمایندگان سازمان خود، مرکز آموزشی برای سازمان‌دهی کارگران هستند که اخیراً کارگران خرده‌فروشی لیدل (شعب سوپرمارکت زنجیره‌ای آلمانی در اسلونی-م) را با پیشنهاد موفق‌گردد هم آورد تا (در مبارزه برای) حق مرخصی یک‌شنبه پیروز شوند.

**یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در کنفرانس درباره‌ی آموزش سیاسی بود:** موضوع‌های اقتصادی را چگونه باید با مبارزات گسترده‌تر سیاسی پیوند زد؟ تینا پودبوشک، یکی از نماینده‌های سدر اظهار داشت که «آموزش سیاسی از طریق مبارزات اقتصادی حاصل می‌شود». او خاطرنشان کرد که بهترین آموزش از طریق روند سازمان‌دهی مبارزات اقتصادی به دست می‌آید، که افراد را به درک آن که مشکلات مادی ما امری جمعی و موضوع‌های سیاسی هستند، هدایت می‌کند. تغییر سیاسی نه تنها از طریق درک و به‌رسمیت شناختن مشکلات ساختاری، بل که از طریق ساختن قدرت جمعی رخ می‌دهد. از این‌رو، اعتصاب‌ها ضروری هستند: اعتصاب‌ها قدرتمندترین ابزار توده‌ها برای اعمال قدرت جمعی و اجرای تغییراتی هستند که به سود جامعه است. پتانسیل سیاسی برای جنبش گسترده‌تر چه تنها درباره‌ی تجدید حیات رزمندگی کارگری نیست. حتی اگر این سازمان‌های کارگری از لحاظ **تعداد** اعضا نسبتاً کوچک باشند، معمولاً به دو گروه مترقی و محافظه‌کار تقسیم می‌شوند و در به‌خدمت‌گرفتن افرادی که تبلیغات سیاسی چه را نادیده می‌گیرند، موفق هستند. این (بیش‌تر)،

فرصتی در تلاش برای درگیر کردن افراد در موضوع‌های سیاسی بر پایه‌ی رخ داده‌های روزمره است تا آگاهی مطرح‌شده در رسانه‌های اجتماعی، که معمولاً در دایره‌های بسته‌ی اجتماعی باقی می‌ماند.

در کشورهای حاضر در مدرسه‌ی اعتصاب، اسلوونی از لحاظ قوانین تعریف‌کننده‌ی گفت‌وگوهای جمعی یک استثنا است. قوانین حول اعتصاب در اسلوونی از عصر یوگسلاوی تاکنون تغییر نکرده‌اند، این قوانین تا حد زیادی مستقل هستند و به کارگران بدون ملزم کردن آن‌ها به پرش از حلقه‌های بوروکراتیک، اجازه‌ی اعتصاب می‌دهند. این وضعیت درست مخالف مجارستان، لهستان و کشورهای بالتیک است که در آن‌جا به اعتصاب و آن‌هم تنها در سطح محل کار، در صورتی اجازه داده می‌شود که از سوی سلسله مراتب یک اتحادیه‌ی کارگری گذشته باشد. کاتارژینا راکووسکا، جامعه‌شناس حقوق و عضو اتحادیه‌ی ابتکار کارگران لهستان، تاریخی از آیین‌نامه‌ی اعتصاب در لهستان را عرضه کرد. اولین ممنوعیت اعتصاب به شکل معاصر آن در زمان قانون حکومت نظامی یاروزلسکی (آخرین رهبر نظامی لهستان از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱-م) در سال ۱۹۸۲ پدیدار شد و پس از کسب استقلال ملی در سال ۱۹۹۱ تقویت شد.

در لیتوانی قانون محدودکننده‌ی اعتصاب مانند لهستان در سال ۱۹۹۲ به اجرا درآمد. در حالی که قانون اساسی لیتوانی حق اعتصاب را تضمین می‌کند، اما قانون تنها پس از گذراندن مراحل ضروری متعددی از گفت‌وگوها اجازه‌ی اعتصاب می‌دهد. در واقعیت، این به معنای آن است که سازمان‌دهی اعتصاب‌ها دو سال زمان می‌برند، و برای طرف مبتکر آن بسیار گران‌بار و ظالمانه است. این موانع بوروکراتیک به موقع به سود کارفرمایان است که تمام ابزارها را برای طولانی کردن مراحل و آمادگی برای ایجاد اختلالات احتمالی در پیش‌روی (اعتصاب) را در اختیار دارند. به این دلیل‌ها، اکثر اعتصاب‌ها در بخش دولتی سازمان‌دهی شده بودند: لیتوانی پس از استقلال تنها در سال ۲۰۲۱ شاهد اولین اعتصاب خود در بخش خصوصی در کارخانه‌ی تولید کود "آچما" بود. Achema.

اینگا روگی نینه، رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری لیتوانی (LPSK) (درباره‌ی) این نمونه‌ها با مقایسه دو مورد از اعتصاب‌های اخیر در لیتوانی، درباره‌ی موانع قانونی که اتحادیه‌ها در لیتوانی با آن مواجه هستند، سخن گفت.

ناتوانی برای اعتصاب، اتحادیه‌های کارگری اروپای شرقی را وادار می‌کند تا راه‌های دیگری را برای اقدام جمعی پیدا کنند، مثل اعتصاب‌های کار در حد قانون، اعتراض، و بستن راه ورود و خروج. و با این که اعتصاب در اروپای شرقی نادرتر از کشورهای اروپای غربی است، اما در دهه‌ی گذشته افزایش اندکی در ساعت‌های اعتصاب در بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا وجود داشته است. این امر می‌تواند به تغییر عمده در درک معنای کار اتحادیه مربوط باشد. کشورهای بالتیک از زمان پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا به چهارچوب «گفت‌وگوی اجتماعی» تکیه کرده‌اند، اما نتایج آن ناچیز بوده است. از سال ۲۰۱۳ ابتکارهای جدیدی بین اتحادیه‌های اسکاندیناوی و کشورهای بالتیک پدیدار شده‌اند. مثلا آکادمی سازمان‌دهی بالتیک (BOA)، برای ترویج بالابردن سازمان‌دهی فعالانه‌ی کارگران ایجاد شد. کای ریت کال، جامعه‌شناس استونیایی، اقدام برای تغییر شیوه‌ی سازمان‌دهی اتحادیه از داخل را مستند و این پرسش را مطرح می‌کند که اتحادیه‌های کارگری در تغییر راهبردهای خود برای جلوگیری از کاهش دیرپای عضویت در اتحادیه در طی دهه‌ی گذشته چه اندازه موفق هستند؟

به‌خاطر محیط سخت‌گیرانه‌ی قانونی در لهستان و لیتوانی، تنها سازمان‌یافته‌ترین و ایمن‌ترین کارگران، مانند رانندگان حمل‌ونقل عمومی، چنین راهبردهایی را اجرا کرده‌اند. آگنس گجی، پژوهش‌گر و نماینده‌ی مرکز هم‌بستگی اقتصادی (از مجارستان- م) اظهارداشت که این زمینه‌های قوانین محدودکننده می‌تواند با ایده‌ی دوره‌های انباشت سرمایه توضیح داده شود. او استدلال کرد که کنترل طبقه‌ی کارگر ناشی از ایجاد ثبات موقت در تولید و استخراج ارزش اضافی در کشورهای اروپای شرقی است. آگنس درباره‌ی این که در شرایط کنونی که بی‌ثباتی اقتصادی، سیاسی و محیط‌زیستی رشد می‌کند کدام راهبرد سازمان‌دهی سندیکایی و سیاسی می‌تواند برای چپ شرقی عمل کند، پرسش‌هایی را مطرح کرد. برخی ایده‌ها را می‌توان در ترکیب جنبش‌های سندیکایی و تعاونی، برای سازمان‌دهی در نقطه‌ی تولید و بازتولید جست‌وجو کرد.

«مدرسه‌ی اعتصاب» اقدامی برای پژوهش سازمان‌دهی اتحادیه به شیوه‌ای روش‌شناسانه بود. اگرچه نمونه‌های موفق‌ی از سازمان‌دهی سندیکایی در محل کار یا کارزارهایی در سطح بخش وجود دارد، اما چهارچوب محدودیت قانونی برای سازمان‌دهی اعتصاب‌ها یکی از بزرگ‌ترین موانع برای جنبش سندیکایی در کشورهای اروپای شرقی است. همان‌طور که حکمت قدیمی سندیکا به ما می‌گوید، بدون توانمندی برای اعتصاب، روند قراردادهای جمعی بین کارگران و کارفرماها سر از «گدایی» جمعی در می‌آورد. اگرچه اعتصاب‌ها به خودی خود هدف نیستند، اما موثرترین روش برای تجدیدحیات جنبش سندیکایی هستند و نسل جدید را به سوی سندیکاها جلب می‌کنند. ما به کارزارها و اعتصاب‌های موفق نیاز داریم تا نشان دهیم که بهبود زندگی یک نفر نه تنها از طریق دنبال کردن شغل فردی، بل که از طریق مبارزه‌ی جمعی هم می‌تواند حاصل شود.

یکی از هدف‌های کنفرانس مدرسه‌ی اعتصاب، مطرح کردن ایده‌هایی در این باره بود که ما در اروپای شرقی چگونه می‌توانیم به آزادسازی اعتصاب‌ها دست یابیم. G1PS قصد دارد با اتحادیه‌های دیگر متحد شود تا موضوع آزاد کردن حق اعتصاب را در دستورکار انتخابات عمومی سال ۲۰۲۴ قرار دهند. شاید کارزار همانندی هم بتواند در سطح بین‌المللی گسترش یابد. برای جناح سیاسی چپ اروپای شرقی، درخواست آزادسازی قوانین اعتصاب می‌تواند تغییر گفتمان جالبی در لفاظی سیاسی باشد - به جای دفاع ساده از حقوق کارگران یا درخواست مزایای اجتماعی بیشتر، درخواست اجازه‌دادن به کارگران برای مذاکرات آزادانه می‌تواند ایده‌های آزادی طبقه‌ی کارگر را از لیبرال‌ها و محافظه‌کارها پس بگیرد. اما، برای این که یک چنین همکاری بین اتحادیه‌ها و جنبش‌های سیاسی صورت گیرد، حزب‌های سیاسی چپ باید اهمیت اتحادیه‌ها را درک کنند، و شاید مهم‌تر از آن، اتحادیه‌های کارگری باید به اهمیت اعتصاب پی ببرند.

### شناخت‌نامه‌ی شرکت‌کنندگان:

**کای ریت کال** | در پروژه‌های پژوهشی بین‌المللی متعددی شرکت کرده است، حوزه‌ی اصلی پژوهش او بر روابط صنعتی و کار از جمله همکاری فراملی اتحادیه‌های

کارگری و بازرسی‌های کار، راهبردهای اتحادیه و منابع قدرت و همچنین پلتفرم کار متمرکز است. او همچنین یکی از اعضای فعال اتحادیه‌ی کارگری در دانشگاه خود است.

**کاتارژینا راکوسکا** | دانشجوی دکترا در گروه جامعه‌شناسی و پژوهش‌گر در مرکز تحقیقات مهاجرت در دانشگاه ورشو. پژوهش کاتارژینا، که یک ضد فاشیست، فمینیست و فعال سندیکایی است، بر حق اعتصاب، جنبه‌های عملی روابط کار جمعی و اعتصاب‌ها، از جمله اعتصاب در حرفه‌های زنانه، راهبردها و راهکارهای اتحادیه‌های کارگری، و اقتصاد سیاسی مبارزات کارگری متمرکز است.

**اینگا روگی نینه** | رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری لیتوانی و نایب‌رئیس کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (ITUC). اینگا برای دو دوره‌ی متوالی به عنوان رئیس بزرگ‌ترین کنفدراسیون اتحادیه‌ی کارگری لیتوانی انتخاب شد. از سال ۲۰۲۳ اینگا به عنوان نایب‌رئیس کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (ITUC) انتخاب شد که حدود ۸۵ میلیون کارگر در اروپا را نمایندگی می‌کند. اینگا یکی از برجسته‌ترین چهره‌های عمومی در رسانه‌های لیتوانیایی درباره‌ی موضوعات حقوق بازنشستگی، حقوق کارگران و اتحادیه‌های کارگری است.

**آگنس گجی** | آگنس یکی از بنیان‌گذاران مرکز اقتصاد همبستگی در بوداپست است. آگنس یک پژوهش‌گر اجتماعی است که روی سیاست و جنبش‌های اجتماعی اروپای شرقی از چشم‌انداز یک پارچگی بلندمدت اقتصادی جهانی منطقه کار می‌کند.

### شرکت‌کنندگان در پانل بحث درباره‌ی سازمان‌دهی در بخش‌های بی‌ثبات:

**یاکوب گرزه گورشیک** | عضو کمیسیون ملی ابتکار کارگران OZZ IP. سازمان‌گر سندیکایی، هماهنگ‌کننده‌ی گروه آموزش و کارآموزی در OZZ IP ، و سردبیر بولتن ابتکار کارگران است. او در حال حاضر به عنوان مکانیک هواپیما فعالیت می‌کند.

**یاکوف کولاک** | یکی از سردبیران رادنیکا پراوا است که از سوی سازمان برای ابتکار کارگران و دموکراسی (OWID) منتشر می‌شود و به عنوان سازمان‌گر



سندیکیایی در سندیکای صنعتی منطقه‌ای (RIS) کار می‌کند. ابزار رسانه‌ای رادنیکا پراوا (حقوق کارگران) مستقیماً با کارگران، با انتخاب موضوع با تکیه بر تجربه‌های آن‌ها یا توزیع هدفمند محتوا کار می‌کند. RIS یک اتحادیه‌ی عمومی است که درهای آن برای تمام کارگران کروات صرف‌نظر از شغل آن‌ها باز است. این اتحادیه در صنعت فلزکاری، حمل‌ونقل، تسهیلات عمومی، تولید کفش، مراکز تلفن، خانه‌های پرستاری شعبه دارد و به افراد ناتوان یاری می‌رساند. کار اتحادیه بر اصول مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری و دادن یاری به کارگران در مبارزه برای خودشان است.

**تینا پودبوشک | استاد تاریخ و جغرافی، سازمان‌گر سیاسی در سِدرِا Cedra.** تینا در ۵ سال گذشته فعالانه در سِدرِا کار کرده است. او در آن‌جا درگیر ایجاد سندیکاهاى جدید در بخش‌های خرده‌فروشی، بهداشت، و فرهنگ اسلونی، بیش‌تر در شرکت‌های لیدل Lidl، اسپار Spar، توس Tuš، و ایکی‌آ Ikea، فرسنیوس/نفوریدال Fresenius/Neforidal، زاسوک Zasuk بوده است و سازمان‌گر با تجربه‌ی کارگری است. به علاوه، او با نوشتن و انتشار روزنامه‌های پژوهشی سِدرِا همکاری کرده است که فعالیت‌های سِدرِا در آن‌ها بازتاب یافته و نظریه‌پردازی می‌شود. او در تاسیس برنامه‌ی آموزشی سِدرِا هم همکاری داشته است. تینا در عرصه‌ی فرهنگی نیز فعال است. او عضو یک گروه تئاتری غیررسمی مارکسیست است، که در آن‌جا نمایشنامه‌ی «مارکس در سوهو» اثر هوارد زین را کارگردانی کرده است. او در نمایش «اما» برگرفته از اثر زین ایفای نقش کرده و عضو گروهی بود که نمایش اصلی درباره‌ی روز اول مقاومت جوانان کمونیست علیه اشغال نازی شهر ماریبور در سال ۱۹۴۱ را ساختند.

**ماتئوز هرزنجاک | دانشجوی دکترای تاریخ و عضو سِدرِا Cedra.** ماتئوز در رشته‌ی نظریه‌ی اجتماعی تحصیل و در ابتکارهای مختلف سِدرِا برای ایجاد و تقویت جنبش کارگران در اسلوونی همکاری می‌کند و در نوشتن روزنامه‌های پژوهشی سِدرِا همکاری دارد. او در پروژه‌های مختلف در ارتباط با جنبش کارگری، مبارزات کارگران، گسترش بی‌قاعده‌ی اشکال بی‌ثبات کار، دموکراسی مشارکتی، و بودجه‌بندی مشارکتی همکاری دارد.

## دیگر سازمان‌دهندگان مدرسه‌ی اعتصاب:

**اینگا پوپوویته** | دکترای جامعه‌شناسی، پژوهش‌گر در دانشکده‌ی فنی کائوناس. اینگنا جامعه‌شناس و پژوهش‌گر در دانشگاه فنی کائوناس (لیتوانی) است. او زمانی که دانشجوی دوره‌ی تخصصی در دانشگاه آیوا (آمریکا) بود، عضو فعال اتحادیه‌ی دانشجویان دوره‌ی تخصصی بود. در آیوا، اعتصاب برای کارکنان بخش دولتی غیرقانونی است، و آزادی عمل برای گفت‌وگوی جمعی به شدت محدود است. تجربه‌ی اینگنا در کمیته‌ی رهبری اتحادیه به علاقه‌ی فردی او به سیاست‌های کارگری و مبارزه در آمریکا، لیتوانی و دیگر کشورها کمک کرد.

**ویکتوریا کولبزشنیکوا** | متخصص ارتباطات در G1PS، فعال جنبش LGBTQ. ویکتوریا مطالعات جنسیتی را در دانشگاه اروپای مرکزی گذرانده است. او یکی از کتاب‌داران بایگانی هم‌جنس‌گرایان لیتوانیایی به نام “išgirsti” (فضایی فرهنگی-اجتماعی در ویلینوس لیتوانی)، و عضو تیم جشنواره‌ی هم‌جنس‌گرایان “Kreivės” (جشنواره‌ی فیلم سالانه‌ی دگرباشان در لیتوانی) است. ویکتوریا یکی از بنیان‌گذاران اتحادیه G1PS است و از سال ۲۰۲۳ برای ایجاد اتحادیه‌ای برای متخصصان ارتباطات تلاش کرده است.

**آگنه باگدجیونایته** | فعال فرهنگی در خانه‌ی هنرمندان کائوناس، یکی از بنیان‌گذاران اتحادیه‌ی کارگران هنر (MDPS). آگنه فارغ‌التحصیل کارشناسی مطالعات کار و جنسیت از دانشگاه مرکزی اروپایی است. او در حال حاضر در خانه‌ی هنرمندان کائوناس به عنوان کتاب‌دار فرهنگی کار می‌کند و یکی از سازمان‌دهندگان فعال سندیکای کارگران هنر است که به‌تازگی تاسیس شده است. در طی سال‌ها، آگنه یکی از بنیان‌گذاران فضاهای غیررسمی در ویلینوس و کائوناس بوده است که مراکزی برای سازماندهی فمینیستی و کارگری بوده‌اند. او پروژه‌های پژوهشی متعددی را در تاریخ کارگری لیتوانی با تمرکز بر کار زنان و صنعت نساجی انجام داده است.

**یورگیس والیکویچیوس** | کارشناسی ارشد در فلسفه را به پایان رسانده و در حال حاضر به‌عنوان سازمان‌گر سندیکایی در اتحادیه‌ی کارگری اول مه G1PS فعالیت می‌کند. او به کارگران در روند تشکیل سازمان سندیکا در سطح محل کار یاری

اعتصاب در اروپای شرقی: میوه‌ی ممنوع دموکراسی صنعتی

می‌رساند. او معمولاً مقاله می‌نویسد یا درباره‌ی مبارزات جاری کارگران در لیتوانی برای کانال رسانه‌ای چپ لیتوانی gpb.lt داستان‌های صوتی تولید می‌کند. او یکی از سازمان‌گران جشنواره‌ی سالانه Kombinatas (جشنواره‌ای سالانه در لیتوانی که هر تابستان با تمرکز بر ایده‌های هم‌بستگی، تعاون و جامعیت برگزار می‌شود-م) برای افکار چپ نیز هست.

\* پیوند با متن انگلیسی:

<https://lefteast.org/strikes-in-eastern-europe-forbidden-fruit-of-industrial-democracy/>